یادداشت

ایران «دگر» گفتمان امنیت منطقه

سیدمحمد حسینی
سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

جنگ‌های بزرگ در قرن ۱۹ و ۲۰ از جنگ کریمه ۱۸۵۳ گرفته تا جنگ اول و دوم جهانی و جنگ سرد و فروپاشی شوروی و ۱۱ سپتامبر، هر کدام دلایل و صورت و نتایج متفاوتی با هم داشتند اما یک وجه مشترک میان همه آنها به لحاظ نتیجه مشترک بود؛ چه چیزی؟

شکل‌گرفتن گفتمان امنیت بین‌الملل حول یک «دگر» یا دشمن مشترک.

پس از جنگ کریمه ۱۸۵۶، روسیه تزاری دشمن مشترک قدرت‌های وقت جهانی شد، نظام‌های امپراتوری بهانه آغاز جنگ اول، فاشیسم دلیل جنگ جهانی دوم، کمونیسم دلیل جنگ سرد و بالاخره تروریسم بی‌مکان و بی‌آدرس، بهانه جنگ‌افروزی پس از ۱۱ سپتامبر شدند. اکنون سرفصل اصلی گفتمان امنیت بین‌الملل تروریسم است که حسب تشخیص و سلیقه بلوک غرب مکان‌یابی و هدف‌گذاری می‌شود؛ یک روز افغانستان، یک روز عراق، یک روز شامات و... .

نگاهی به نتایج حاصله از تحولات پس از ۷ اکتبر در منطقه نشان می‌دهد ۷ اکتبر نیز کارکردی شبیه ۱۱ سپتامبر داشته و گفتمان امنیتی منطقه پس از ۷ اکتبر در مقایسه با پیش از ۷ اکتبر دچار تحول اساسی شده است:

این تحول شامل چیست؟

۱) علی‌رغم جنایات بی‌شمار رژیم صهیونیستی، از این رژیم تهدیدزدایی شده است و متأسفانه جنایات صهیونیستی در غزه و لبنان و... مشروع جلوه داده می‌شود.

۲) ادراک بلوک غرب و متحدین منطقه‌ای غرب از تحولات منطقه، شکست یا تضعیف جبهه مقاومت است.

۳) ادراک بلوک غرب و متحدین منطقه‌ای غرب از تحولات منطقه، محدودیت ایران برای حمایت از نیروهای نیابتی خود است.

۴) ادراک بلوک غرب و متحدین منطقه‌ای غرب این است که کم‌تحرکی روسیه در منطقه و خصوصا قضایای سوریه ناشی از جنگ فرسایشی در اوکراین و تحریم‌ها علیه روسیه است.

۵) ادراک بلوک غرب و متحدین منطقه‌ای در رابطه با امتناع حزب‌الله لبنان از ورود به جنگ در آغاز بحران غزه ناشی از ضعف اقتصادی و فشار افکار عمومی لبنان بر حزب‌الله پس از انفجار بندر بیروت و تشدید بحران اقتصادی و امنیتی در لبنان است.

۶) در مورد ایران نیز همین ادراک میان خصم و رقبای منطقه‌ای شکل گرفته است که:

«ایران بر اثر تشدید تحریم‌ها و فرسایش در چند جبهه جنگ ترکیبی دچار ضعف و شکنندگی شده است».

از دیدگاه رقبا و دشمن:

الف) تحریم‌ها علیه ایران کارگر افتاده و به نتایج غایی خود نزدیک می‌شود؛

ب) حکومت ایران در داخل دچار بحران‌های متعدد شده است؛

ج) ایران از طریق مذاکره به دنبال بازسازی و احیای خود و سپس نیروهای نیابتی‌اش است.

بر این اساس اجماعی نانوشته میان آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی، عربستان و برخی کشورهای منطقه‌ای ایجاد شده است مبنی بر اینکه:

۱) تحریم‌ها باید با شدت بیشتری علیه ایران ادامه یابد.

۲) ایران باید به «مسئله اصلی» خاورمیانه یعنی «دگر امنیتی» تبدیل شود تا مسئله فلسطین از صورت اصلی و مسئله خاورمیانه خارج شود.

۳) فرایند عادی‌سازی روابط عرب و اسرائیل پس از مدتی مجددا آغاز شود.

نشانه‌ها:

۱) روند نزدیک‌شدن ترکیه (آذری) به محور عربی - اسرائیلی

۲) تحرکات دیپلماتیک کشورهای منطقه و غربی با حاکمان جدید سوریه

۳) سمپاتی و رویکرد مثبت احمدالجولانی به عربستان

۴) تغافل الجولانی نسبت به اشغال سرزمین‌های حائل توسط رژیم صهیونیستی

۵) برجسته‌کردن ایران به عنوان دشمن اصلی سوریه در ادبیات جولانی

۶) اعدام شش ایرانی به اتهام قاچاق مواد مخدر در عربستان و برخورد غیرحرفه‌ای و تند اخیر مقامات امنیتی لبنان در فرودگاه بیروت علیه کادر دیپلماتیک ایران (که محاسبه‌شده و هماهنگ با جهات ذی‌ربط داخلی و منطقه‌ای بود)

۷) زمزمه انحلال و خلع سلاح حشدالشعبی و نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی ایران از سوی برخی مقامات عراقی

۸) تفویض نظارت بر آتش‌بس لبنان و اسرائیل به ارتش لبنان توسط رهبری حزب‌الله لبنان

۹) آغاز مذاکرات غیرمستقیم حماس و اسرائیل

۱۰) خط و نشان ترامپ برای حماس در مورد گروگان‌ها

۱۱) به حاشیه رفتن گفتمان «ضرورت مذاکره با ایران در قبال برنامه هسته‌ای» در آمریکا و اروپا

۱۲) صبر معنادار رژیم صهیونیستی در قبال ایران و کاهش تهدیدات لفظی نتانیاهو در قبال ایران که نشان از آغاز برنامه‌ای پنهان با حضور ترامپ در کاخ سفید علیه ایران دارد.

راهکار ایران در شرایط کنونی چه باید باشد؟

آنچه گفتیم ادراکات و برداشت دشمن و رقبا از صحنه است که لزوما منطبق با امر واقع نیست اما ادراکات چه مبتنی بر امر واقع باشد و چه نباشد، مبنای عمل است.

بر این اساس راهکار اصلی برای مواجهه با تهدیدات پیش‌رو تلاش برای تغییر ادراکات دشمن و رقباست، همان چیزی که مقام معظم رهبری به درستی بارها بر آن تأکید کردند: «اثرگذاری روی دستگاه محاسباتی دشمن».

۱) صحنه داخلی ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش بی‌بدیلی در دستگاه محاسباتی دشمن دارد. مدیریت عرصه داخلی باید به نحوی باشد که دشمنان و رقبا باور کنند «نظام سیاسی در ایران دارای مشروعیت و مقبولیت بالایی است».

۲) اکنون ثبات در خلیج فارس و حتی شامات برای کشورهای منطقه و آمریکا بسیار مهم است؛ ایران دارای اهرم‌های ثبات‌زاست و مابازای این اهرم‌های خود را باید در مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی دریافت کند.

۳) هرگونه کنش عملی و کنش کلامی که ایران را برهم‌زننده ثبات منطقه نشان دهد، بازی در زمین دشمنان است یعنی با دست خودمان به «دگربودگی» ایران کمک کرده‌ایم.

۴) از نگاه آمریکایی‌ها، جمهوری اسلامی آلترناتیو خارجی ندارد و رژیم‌چنج، بی‌ثباتی در کل منطقه را تشدید خواهد کرد. پس باید با ایران Deal کرد. دیل‌کردن یعنی بده‌بستان؛ نظام باید در مورد داده‌ها و ستانده‌های احتمالی در آینده به اجماع برسد. مادامی که نگاه آمریکا به ایران ضرورت مهار از طریق Deal است؛ فرصت مناسبی برای ارتقای جایگاه کشور و عبور از بحران‌هاست.

۵) با توجه به تغییر توازن قدرت در منطقه پس از تحولات اخیر، ایران چه‌بسا لازم باشد عمق استراتژیک و کنشگری و مرزهای امنیتی خود را بیشتر به حوزه همسایگی و خلیج فارس، عراق و قفقاز متمرکز کند و تحولات حوزه شامات را فعالانه رصد و پیگیری کند. زمان نقش‌آفرینی حوزه دیپلماسی است که باید فعالانه و هوشمندانه و با ارائه ابتکاراتی متناسب با روندها، تأثیرگذار در آینده سوریه و حوزه شامات باشد.

آسیب‌شناسی مسیر سیاست خارجی در تنش‌زدایی با غرب در گفت‌وگو با معاون بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری

تهران آمادگی مذاکرات «جامع» را ندارد

عبدالرحمن فتح‌الهی: اخیرا کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه، سیزدهم ژانویه (۲۴ دی) را تاریخ برگزاری دور جدید رایزنی‌ها بین ایران و سه کشور اروپایی به میزبانی ژنو اعلام کرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی دستگاه دیپلماسی نیز در نشست خبری این هفته و در پاسخ به سؤالی درباره دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا خبر داد: «دور دوم دیدارها ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه در ژنو انجام می‌شود و ادامه گفت‌وگوهای آذرماه خواهد بود». پیش‌تر عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در مصاحبه‌ای با سی‌سی تی‌وی چین به تلاش تنش‌زدایانه با اروپا اشاره داشت و به گفته او، «یک دور مذاکره با کشورهای اروپایی صورت گرفته است و دور دوم این مذاکرات نیز تعیین شده که ظرف کمتر از دو هفته آینده با سه کشور اروپایی انجام خواهد شد».

از ادعاها بر سر توافق جدید هسته‌ای تا میانجیگری دوباره پاریس

هم‌زمان یک پایگاه نزدیک به منابع اسرائیلی و آمریکایی مدعی شده نمایندگان سه کشور اروپایی در نشست ۹ آذر در ژنو به ایران پیشنهاد یک توافق جدید هسته‌ای داده‌اند. دیپلمات‌های ارشد سه کشور اروپایی (فرانسه، آلمان و انگلیس) و ایران در اواخر ماه نوامبر نشستی در ژنو برگزار کردند. به نوشته دنیای اقتصاد، به نقل از آکسیوس، این وب‌سایت خبری به نقل از یک دیپلمات اروپایی و دو منبع دیگر ادعا کرده دیپلمات‌های اروپایی در آن نشست به طرف ایرانی گفته‌اند که توافق برجام، «تهی و باطل» شده و برای رسیدگی به وضعیت فعلی برنامه هسته‌ای ایران، به یک توافق جدید نیاز است. طبق این ادعا، دیپلمات‌های اروپایی گفته‌اند در صورت نرسیدن طرف‌ها به توافق تا ماه سپتامبر، آنها از سازوکار بازگرداندن خودکار تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران استفاده خواهند کرد. طبق این گزارش، دیپلمات‌های ایران هشدار داده‌اند در صورت وقوع چنین سناریویی، از معاهده ان‌پی‌تی خارج خواهند شد و به تمامی بازرسی‌ها و نظارت‌ها از تأسیسات هسته‌ای خود پایان خواهند داد.

در کنار این نکات، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در تازه‌ترین اظهارنظرش با ادعای اینکه «برنامه هسته‌ای ایران در حال نزدیک‌شدن به نقطه بی‌بازگشت است»، گفت پاریس باید با دولت ترامپ درباره ایران گفت‌وگوی راهبردی داشته باشد. به نوشته ایسنا، مکرون که در پاریس و در جمع سفرای فرانسه در کشورهای جهان صحبت می‌کرد، بیان کرد: «رهبران جهان باید از خود بپرسند آیا باید سازوکار بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را قبل از اکتبر ۲۰۲۵ فعال کنند یا خیر». رئیس‌جمهور فرانسه در اظهاراتی علیه ایران مدعی بود که «تهران چالش استراتژیک و امنیتی اصلی برای فرانسه، اروپایی‌ها، کل منطقه و فراتر از آن است و این مسئله، موضوع کلیدی گفت‌وگو با دولت آینده دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، خواهد بود».

مسیری با اما و اگرهای فراوان

با توجه به آنچه گفته شد، طیفی از تحلیلگران فاصله ۴۵روزه از نشست ۹ آذر در ژنو تا دور دوم گفت‌وگوها را با توجه به برخی شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در آستانه روی کار آمدن دونالد ترامپ، به‌هیچ‌وجه قابل توجیه نمی‌دانند؛ به‌خصوص آنکه هنوز قرار نیست موتور مذاکرات رسمی با هدف تنش‌زدایی بین ایران و اروپا در ۲۴ دی‌ماه روشن شود و کماکان این دیدارها در قالب گفت‌وگوهای اولیه برای ارزیابی از خواسته‌ها و مطالبات طرفین برگزار می‌شود. از همین رو، بازخوانی مسیر طی‌شده در تنش‌زدایی با اروپایی‌ها، محور گفت‌وگوی «شرق» با ساسان کریمی است. البته معاون بین‌الملل معاونت راهبردی ریاست‌جمهوری، ریل‌گذاری و عملکرد حدود چهارماهه دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم در این زمینه (تنش‌زدایی با اروپا) را کاملا قابل دفاع می‌داند. هرچند از منظر مدرس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، «گلوگاه اصلی این مذاکرات، نه تهران بلکه اروپایی است که اکنون به دنبال تأخیر در آغاز مذاکرات جدی با ایران تا زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ است». آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این گپ‌وگفت است.

طبق اخبار واصله، قرار است ۲۴ دی‌ماه دور دوم گفت‌وگوهای ایران و اروپا به میزبانی ژنو برگزار شود. در این میان طیفی از ناظران فاصله بیش از یک ماه بین دور اول و دوم این گفت‌وگوها را با توجه به شرایط بی‌سابقه منطقه و جهان غیرقابل توجیه می‌دانند. این در حالی است که شما در گفت‌وگوی پیشین خود با «شرق»، معتقد بودید دستگاه سیاست خارجی دولت چهاردهم و شخص وزیر، نه تعجیل در مذاکرات را در دستور کار دارد و نه به دنبال مذاکرات فرسایشی، فرصت‌سوزی و مذاکره برای مذاکره است. اما اینکه دور دوم ملاقات‌های ژنو کماکان در قالب یک گفت‌وگو، رایزنی و ارزیابی اولیه مطالبات و خواسته‌های طرفین از همدیگر تعریف شده و هنوز هم خبری از «مذاکرات» جدی نیست، مصداق بارز فرصت‌سوزی نخواهد بود؟

واقعیت امر این است که برای آغاز مذاکرات جمهوری اسلامی ایران، چه با سه کشور اروپایی عضو برجام (آلمان، فرانسه و انگلستان) و چه با کل اتحادیه اروپا، گلوگاه تهران نیست. جمهوری اسلامی ایران و دولت چهاردهم در چند ماه گذشته بارها از آمادگی خود برای مذاکره گفته‌اند، اما موضوع اینجاست که اکنون اراده جدی از طرف اروپا برای آغاز مذاکرات وجود ندارد. این جمله منقول از دکتر ظریف هم هست که «اروپایی‌ها شفا نمی‌دهند، اما کور می‌کنند». لذا همین دفع شر و مدیریت تنش با اروپا هم قابل دفاع است.

به گفته شما بازمی‌گردم، اما عجالتا چه دلیلی وجود دارد که شاهد تأخیر یا آغازنشدن مذاکرات جدی از جانب اروپایی‌ها هستیم؟ موضوع ناظر بر جنگ اوکراین است یا دوره گذار تا روی کار آمدن دولت ترامپ؟

من معتقدم اروپایی‌ها توانمندی راهبردی برای حل چالش‌ها، مشکلات و موضوعات جاری را ندارند و نیم‌نگاه جدی‌ای به روی کار آمدن دونالد ترامپ دارند تا ببینند ایالات متحده چه سیاست و برنامه‌ای را در قبال ایران پیاده می‌کند.

بااین‌حال، وضعیت کنونی توسط دستگاه دیپلماسی دولت چهاردهم قابل دفاع است؟ آیا ما در یک تعلیق به سر نمی‌بریم؛ گویا که همه چیز فریز شده است؟

واقعیت امر آن است که ما باید مجاری دیپلماتیک با غرب و به‌خصوص اروپا را تا زمان روی کار آمدن دولت ترامپ باز نگه داریم و ببینیم چه سناریوهایی در قبال پرونده هسته‌ای ایران، جنگ اوکراین، تحولات خاورمیانه، مکانیسم ماشه و بسیاری از موضوعات دیگر شکل خواهد گرفت. اگر تعلیقی وجود دارد، به این دلیل است که همه منتظر تحولات بعد از بیستم ژانویه هستند.

به مسیر طی‌شده وزارت امور خارجه دولت چهاردهم بازگردیم. شخص وزیر بارها در مصاحبه با رسانه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از اعلام آمادگی خود برای مذاکرات جدی، چه با طرف آمریکایی و چه با طرف اروپایی گفته است؛ به نحوی که تقریبا این مواضع به‌عنوان یک موتیف از جانب عراقچی دیده می‌شود، بدون آنکه گام‌های عملی دراین‌باره برداشته شود. بسیاری هم برخلاف ارزیابی شما، باور دارند دور اول گفت‌وگوهای ژنو بسیار دیر شروع شد و در همان هفته‌های اول آغاز به کار دولت چهاردهم می‌توانستیم این گفت‌وگوها را چه با شخص عراقچی و چه با شخص تخت‌روانچی انجام دهیم و در همان برهه‌ای که جوزپ بورل به‌عنوان مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا عمل می‌کرد و پیش از روی کار آمدن خانم کایا کالاس که یک نگاه ضدایرانی دارد، بستر برای بازکردن کانال‌های دیپلماتیک فراهم می‌شد.

تقویم مذاکراتی در کنترل وزارت امور خارجه و شخص وزیر نیست و پارامترهای متعددی هم در این زمینه دخیل است تا زمان انجام مذاکرات بین طرفین تعیین شود. از طرف دیگر آقای دکتر عراقچی یا هر وزیر امور خارجه‌ای هم به‌تنهایی نمی‌تواند دستورالعملی برای مذاکرات داشته باشد. گاهی امکان دارد در داخل کشور این آمادگی برای مذاکرات وجود نداشته باشد و برخی اوقات هم طرف مقابل یعنی اروپایی‌ها به هر دلیلی تمایلی به مذاکره جدی و محتوایی نداشته باشند، ولو آنکه شاید کارگزار هم با تصمیمی که برای مذاکره گفته شده است، همراه و موافق نباشد. بااین‌حال، وزیر باید تصمیمات و سیاست‌های کلان را اجرا کند، نه تشخیص و تحلیل خود را. از طرف دیگر، آقای دکتر عراقچی از آن دست کادر وزارت امور خارجه است که مراتب را از پایین به بالا طی کرده و اصطلاحا نردبان وزارت امور خارجه را پله به پله و به‌طور کامل پیموده‌اند؛ بنابراین نمی‌توان از دکتر عراقچی انتظار اقدامات و تصمیمات متهورانه‌تر از یک سطحی را داشت. با توجه به روحیات دکتر عراقچی، ایشان فردی است که تمایل دارد در چارچوب عمل می‌کند.

باز هم علی‌رغم آنچه گفتید، کماکان کارنامه چندماهه عباس عراقچی می‌تواند محل تردید باشد؛ چون در مقاطع حساس است که ابتکارات فردی می‌تواند تراز یک چهره سیاسی و دیپلماتیک را در قیاس با دیگر مقامات نشان دهد. این در حالی است که فردی همچون محمدجواد ظریف در دولت روحانی با ابتکارات فردی، مذاکرات ۵+۱ را به شکل قابل دفاعی پیش برد. اما اکنون نه خبری از ابتکار شخصی است و نه اینکه تنش‌زدایی با اروپا حتی در سطح دولت سیزدهم فریز شود. در چهار ماه اخیر مشکلات به مراتب جدی‌تر از دولت سابق است. آیا این نگاه انتقادی و آسیب‌شناسی را جایز می‌دانید؟

به نظر من در شرایط کنونی جایز نیست چنین آسیب‌شناسی‌ای از دستگاه سیاست خارجی و شخص آقای دکتر عراقچی صورت بگیرد. البته من برای تمام آرا و نظرات احترام قائلم و معتقدم که حتی باید انتقادها هم شنیده شود. ضمن آنکه در مقوله ابتکارات فردی نیز باید به روحیات و نگاه هر فرد توجه داشت. یقینا اگر بنده وزیر امور خارجه بودم، عملکردی متفاوت از دکتر عراقچی داشتم، همچنان که دکتر عراقچی هم عملکرد متفاوتی از آقای دکتر ظریف داشته و دارد. لذا این یک موضوع کاملا طبیعی است.

این گفته شما نوعی توجیه و فرار رو به جلو نیست؟ در دولت اول روحانی اصلا فرصت‌سوزی جایز نبود و بدون فوت وقت مذاکرات جدی به‌عنوان محور فعالیت‌ها دولت در دستور کار بود.

اولا ما باید در ظرف زمانی هر دوره به موضوعات نگاه کنیم. شرایط اکنون کشور، منطقه و جهان به‌طور کلی با ۱۰ سال قبل متفاوت است. درثانی، عملکرد هر فرد بنا بر نگاه، تحلیل و ارزیابی شخص او است.

ممکن است برخی سرلوحه کاری خود را بر ابتکار عمل شخصی قرار دهند. چنانی که آقای دکتر ظریف این‌گونه عمل کردند که البته استحضار دارید آقای دکتر ظریف برای همین ابتکارات هم تا همین الان هزینه‌های بسیار زیادی پرداخت کرده و می‌کنند. اما برخی هم شاید این ارزیابی را داشته باشند که «هزینه‌های» ابتکارات شخصی به مراتب بیشتر از «فواید» آن است و به همین دلیل سعی خواهند کرد براساس همان مقوله ساختار-کارگزار و در چارچوب سیاست‌های کلان عمل کنند، نه چیزی بیش از آن و به دنبال اعتمادزایی و کسب حمایت درونی باشند و بعد از آن به سراغ ابتکار عمل خواهند رفت. به همین دلیل همان‌گونه که گفتم، به دلیل روحیاتی که از آقای دکتر عراقچی سراغ دارم، ایشان سعی می‌کنند در چارچوب تعیین‌شده پیش بروند.

پس خبری از جریان‌سازی دیپلماتیک ظریف توسط عراقچی نیست و نباید دنبال چهره ترازی از وزیر امور خارجه فعلی باشیم؟

من دوباره تکرار می‌کنم که نمی‌توان هیچ‌کس را با فرد دیگری مقایسه کرد. هر فردی و هر وزیر امور خارجه‌ای براساس شرایط، روحیات و ارزیابی خود عمل می‌کند. ضمن اینکه اقتضائات زمانی و مکانی و همچنین شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی هم بر عملکرد هر فرد مؤثر است. امکان دارد اگر آقای دکتر ظریف هم الان وزیر امور خارجه بودند، متفاوت از دوره قبل عمل می‌کردند که کاملا طبیعی است. لذا من این مقایسه را چندان جایز نمی‌دانم.

اتفاقا این نکته شما تأییدی بر گفته من است؛ چون هم در دولت روحانی، چه در مذاکرات دولت اول و چه در مذاکرات دولت دومش و هم در مذاکرات دوره رئیسی، چیزی به نام ضرب‌الاجل مطرح نبود. اما اکنون ما نهایتا تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهرماه ۱۴۰۴) و قبل از انقضای قطع‌نامه ۲۲۳۱ به عنوان ضامن اجرائی برجام فرصت داریم. هرچند برخی معتقدند در نشست فصلی پیش‌روی شورای حکام در همین اسفندماه سال جاری امکان برداشته‌شدن گام‌های عملی فعال‌شدن مکانیسم ماشه وجود دارد. پس با چنین فرصت محدودی اساسا نمی‌توان به دنبال مذاکره برای مذاکره و بازه‌های زمانی بیش از یک‌ماهه، آن هم برای پیگیری گفت‌وگو و ارزیابی‌های اولیه بود؟

موضوع این است که شما صرفا از منظر تهران به مسئله نگاه می‌کنید. ما که نمی‌توانیم با خودمان گفت‌وگو کنیم و مذاکرات را انجام بدهیم. باید طرف مقابل هم این آمادگی را برای انجام مذاکرات داشته باشد یا خیر؟ به هر دلیلی اروپا اکنون تا زمان روی کار آمدن دولت ترامپ به دنبال مذاکره نیست؛ چون توان راهبردی حل اختلافات و چالش‌ها و مشکلات را ندارد و منتظرند تا واشنگتن، ریل‌گذاری لازم را داشته باشد و براساس آن عمل کند.

نکات شما درست، اما وقتی یک فاصله زمانی بیش از یک‌ماهه بین دو دوره گفت‌وگوهای ژنو صورت می‌گیرد...

بله با بخشی از گفته شما موافقم و من هم این فاصله زمانی را نشانه خوبی نمی‌دانم. اما درعین‌حال باید تأکید داشته باشم که این نشانه بد از جانب ایران مخابره نشده است. در این بین و پیرو تأکیدتان بر موضوع ابتکارات فردی، من در پیشنهادی که به وزارت امور خارجه داشتم به این موضوع اشاره کردم که باید مجموعه‌ای از ابتکارات مختلف و متنوع دیپلماتیک را در دستور کار قرار داد که ذهنیت دولت دونالد ترامپ و شخص ترامپ در قبال ایران در مسیر درست و مثبتی قرار بگیرد تا کنشگری او درخصوص ایران شکل بگیرد که البته این موضوع یک برنامه‌ریزی دقیق و خاص خود را می‌طلبد.

پس شما هم به ابتکارات اذعان دارید؛ چیزی که اکنون خلأ آن احساس می‌شود؟

منظور من این است که باید در سمتی حرکت کنیم که اجازه ندهیم دشمنان جمهوری اسلامی ایران تصویری منفی از کشورمان برای دولت جدید آمریکا و شخص دونالد ترامپ بسازند که این تصویر منفی، جریان‌ساز اقدامات و تصمیمات واشنگتن علیه تهران باشد؛ بلکه باید کنشگری ما این تصویرسازی را برای ترامپ شکل دهد.

تا چه اندازه با این انتقاد همراه هستید که مسئول دیپلماسی کشور طی چهار ماه گذشته سعی کرده است به‌جای یک استقلال رویه، نوعی انفعال را در برابر رادیکال‌های داخلی داشته باشد؟

به‌هیچ‌وجه من این انتقاد را درست نمی‌دانم و اتفاقا اگر دقت کرده باشید طی چند روز اخیر ایشان سیل حملات و تخریب‌ها در فضای مجازی و توییتر توسط همین جریان‌های رادیکال داخلی بودند. درحالی‌که به نظر من آقای دکتر عراقچی تلاش دارد با بخشی از نیروهای هیئت حاکمه به سطحی از همسویی برسد تا با اعتمادزایی، زمینه کار مشترک فراهم شود. به واقع آقای دکتر عراقچی خود را نماینده کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند که نگاه کاملا درست و قابل دفاعی است.

ادامه در صفحه ۳

خبر

رئیس‌جمهور به چابهار و زابل می‌رود

مدیرکل روابط‌عمومی دفتر رئیس‌جمهور برنامه‌های سفر دوروزه رئیس‌جمهور به شهرستان‌های چابهار و زابل را تشریح کرد. حبیب‌الله عباسی، در تشریح برنامه‌های سفر رئیس‌جمهور به شهرستان‌های چابهار و زابل با بیان اینکه این سفر در تکمیل سفر استانی دولت به استان سیستان‌وبلوچستان انجام می‌شود، گفت: رئیس‌جمهور روز پنجشنبه با سفر چابهار، ضمن دیدار عمومی با مردم جنوب استان، نشست‌هایی نیز با موضوع نهضت مدرسه‌سازی با مشارکت مردم، نشست توسعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری منطقه آزاد چابهار و نشست بررسی مسائل جنوب استان را برگزار خواهد کرد. او با بیان اینکه پزشکیان، جمعه چابهار را به مقصد زابل ترک خواهد کرد، افزود: رئیس‌جمهور در زابل نیز علاوه‌بر دیدار عمومی با مردم منطقه شمالی استان سیستان‌وبلوچستان و افتتاح یک پروژه عمرانی، نشستی به منظور بررسی مسائل شمال استان با حضور مسئولان محلی خواهد داشت و در پایان، در نشستی تلویزیونی نتایج و دستاوردهای این سفر را برای مردم تشریح می‌کند.

عباس‌زاده: باید پیرامون اصول حکمرانی به وفاق برسیم

سخنگوی سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، تأکید کرد: برای تحقق شعار وفاق ملی باید در وهله اول پیرامون منافع ملی به یک اجماع نظر دست یافت و در وهله دوم همه با هم به این وفاق برسیم که مردم در کجای تصمیم‌گیری‌های مسئولان قرار دارند.

محمود عباس‌زاده مشکینی در گفت‌وگو با ایسنا، با طرح این مسئله که برای تحقق وفاق ملی چه سیاست‌گذاری‌هایی باید انجام شود، بیان کرد: وفاق ملی مؤلفه بسیار مهمی است و برای پیشرفت کشور لازم است.

از نگاه بنده، وفاق ملی یکی از لوازم توسعه کشور است. وفاق ملی صرفا یک شعار یا یک تابلو نیست. از نگاه بنده وفاق ملی به این معنا نیست که دولت در چینش مدیران سهمی به سایر گروه‌ها و جناح‌ها بدهد. این تنها یک جنبه از وفاق ملی به شمار می‌رود.

او در ادامه اظهار کرد: وفاق ملی قبل از اینکه یک شعار باشد، یک گفتمان است. حتی یک پارادایم نیز می‌تواند باشد. اگر وفاق را به عنوان یک گفتمان دنبال کنیم بهتر است. برای اینکه وفاق ملی صرفا در قالب شعار باقی نماند، بنده معتقد هستم که بسترهایی برای ورود نخبگان، اندیشمندان و کارشناسان فراهم شده و مبانی نظری وفاق ملی مورد بررسی قرار گیرد. باید ارزیابی شود که وفاق چیست و چه فلسفه‌ای دارد. لوازم و موانع ایجاد وفاق ملی چیست. برگزاری همایش وفاق ملی را از این نگاه به فال نیک می‌گیریم.

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: من معتقد هستم باید حول یک چارچوب، محورها و اصول حکمرانی به یک اجماع نظر برسیم. متأسفانه اکنون در بحث حکمرانی با یک خلأ بسیار جدی مواجه هستیم. اکنون در کشور اگر از حکمران‌ها در هر سطوحی بپرسیم که پنج اولویت استراتژیک شما که قصد دارید در پنج سال آتی به نتیجه برسانید چیست، من مطمئن هستم از هر مسئولی بپرسید پاسخ دقیقی دریافت نخواهید کرد. ما در اولویت‌بندی استراتژیک به عبارت دیگر اولویت‌بندی نیازهای کشور مشکل داریم.

او در ادامه بیان کرد: ما به عنوان حاکمیت و دولت در وهله اول باید به شکل شفاف در این زمینه به وفاق برسیم تا همه بدانند مردم در کجای نظام تصمیم‌گیری ما قرار دارند. ما باید در این زمینه تکلیف را با خودمان روشن کنیم. این ستون اصلی وفاق از بعد نظری است.